



### بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند متعال را شاکر هستیم که توفیق مجدد اشتغال علمی خصوصاً اشتغال به فقه اسلام و أهل بیت (ع) را به ما عنایت فرمود که این نعمت بسیار بزرگی می باشد، نبی مکرم اسلام (ص) نیز در این رابطه فرموده اند: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَقَهَّهُ فِي الدِّينِ». در قرآن کریم در هشت جا کلمه نفر و مشتقات از نفر ذکر شده است نفر یعنی خانه و وطن را پشت سر گذاشتن و برای هدف عالی تری حرکت و کوچ کردن، هفت مورد نفر درباره جهاد است و یک مورد آن درباره نفر و کوچ کردن برای تفقه در دین می باشد که ما برای شروع بحث به این آیات اشاره می کنیم. آیه اول آیه ۷۱ از سوره نساء می باشد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خذُوا حذرکم فانفروا ثباتاً أو انفروا جميعاً» یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید آمادگی خود را در برابر دشمن حفظ کنید و در دسته های متعدد یا به صورت دسته واحد به سوی دشمن حرکت نمائید، آیه دیگر آیه ۴۱ از سوره توبه می باشد: «انفروا خفافاً و ثقلاً و جاهدوا بأموالکم و أنفسکم» خفاف جمع خفیف و ثقلاً جمع تعقیل است یعنی همه گروهها سبک یا سنگین پیر یا جوان متأهل یا مجرد به سمت دشمن حرکت کنید و با اموال و جانهایتان با آنها جهاد کنید، آیه دیگر آیه ۳۹ از سوره توبه می باشد: «إِلا تنفروا يعذبکم عذاباً أليماً» یعنی اگر به سوی میدان جهاد حرکت نکنید شما را مجازات دردناکی می کند، آیه دیگر آیه ۸۱ از سوره توبه می باشد که در آن گفته شده: «و قالوا لا تنفروا فی الحرّ قل نار جهنم أشدّ حرّاً لو كانوا یفقهون»، خلاصه اینکه آیاتی که مربوط به نفر برای جهاد است بسیار تکان دهنده می باشند که به بعضی از آنها اشاره کردیم.

خوب و اما می رسیم به آیه نفر مر بوط به ما که آیه ۱۲۲ از سوره توبه می باشد: «و ما کان المؤمنون لینفروا کافّةً فلولا نفر من کلّ فرقة منهم طائفة لیتفقّوها فی الدین ولینذروا قومهم إذا رجعوا إلیهم لعلّهم یحذرون» در صدر آیه نهی از نفر برای جهاد می کند به این معنی که همه برای جهاد نروند بلکه عده ای نیز مثل ما طلبه ها برای فراگیری احکام اسلام و تفقه در دین کوچ کنند. خوب و اما آیات قبل از این آیه ۱۲۲ نیز بسیار عالی و قابل توجه می باشند و چه خوب است که ما علاوه بر روایاتمان برای استنباط احکام الهی به آیات قرآن نیز توجه داشته باشیم و اگر آیات الأحکام را حفظ نیستیم اقلأً با آنها آشنایی داشته باشیم. در آیات قبلی نیز تشویق به جهاد شده است، در آیه ۱۲۰ و ۱۲۱ از سوره توبه گفته شده: «ما کان لأهل المدینة و من حولهم من الأعراب أن یتخلفوا عن رسول الله ولا یرغبوا بأنفسهم عن نفسه ذلک بأنهم لا یصیبهم ظمأٌ ولا نصبٌ ولا مخمصةٌ فی سبیل الله ولا یطؤون موطئاً یغیظ الکفار و لا ینالون من عدوٍّ نیلاً إنا کتب لهم به عمل صالحٌ إن الله لا یضیع أجرالمحسنین (۱۲۰) ولا ینفقون نفقةً صغیرةً ولا کبیرةً ولا یقطعون وادیاً إنا کتب لهم لیجزیهم الله أحسن ماکانوا یعملون»، بعد از این دو آیه که در آنها بسیار تشویق به نفر برای جهاد شده در آیه ۱۲۲ که به عرضتان رسید صحبت از نفر برای تفقه در دین شده است بنابراین ما دو نفر داریم؛ یکی نفر جهادی و دیگری نفر علمی و تحصیلی یعنی درواقع اسلام دو جبهه برای ما ترتیب داده است که ما با تمسک به آن دو با دشمن برخورد کنیم، یک جبهه مجهز به علم و قلم و بیان است مثل شیخ طوسی ها و شیخ مفیدها و کلینی ها که در طول تاریخ در این جبهه بو ده اند و جبهه دیگر مجهز به شمشیر و سلاح و تجهیزات جهادی می باشد پس این دو جبهه همیشه باید در برابر دشمن مجهز باشد تا هیچوقت دشمن فکر نکند که قادر است شما را به

علمیه از حکومت اسلامی بحث شود، نهم معارف قضائی است که مربوط به قضاوت می باشد و بالاخره دهم معارف جهادی می باشد.

خوب به نظر بنده معارف اسلامی همین ده مورد بود که به عرضتان رسید حالا باید ببینیم که فقه مصطلح ما جزء کدام مورد می باشد؟ استاد بزرگوار ما علامه طباطبائی (ره) در تفسیر آیه ۱۲۲ از سوره توبه فرموده اند؛ آیه مربوط است به تفقه در دین در لغت و عرف چرا که دین ابعاد وسیعی دارد لذا اسلام می خواهد که علماء در تمام ابعاد و مسائل دین تفقه داشته باشند و تفقه یعنی فهم عمیق بنابراین قرآن واجب می کند عده ای که الحمدلله ما توفیقش را پیدا کرده ایم به دنبال تفقه در دین بروند، خلاصه اینکه فقه مصطلح ما یک موردی از آن ده مورد معارف اسلامی است که موضوعش عمل مکلفین از جهت احکام خمس و از جهت صحت و فساد می باشد، خوب اینها مسائلی بود که ذکرش قبل از شروع بحث لازم بود....

والحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرین

ذلت بکشاند بلکه همیشه باید دشمن مرعوب باشد و از شما بترسد.

خوب و اما حالا باید ببینیم که تفقه در دین که در قرآن و احادیث ما آمده است با فقه فعلی و مصطلح ما چه فرقی دارد؟ در تفقه در دین معنی لغوی و عرفی مراد است و قرآن و احادیث بر معنی عرفی خودشان حمل می شوند، تفقه در دین دارای ابعاد متعددی است که فقه ما یک شعبه ای از آن می باشد در دین ده نوع معارف وجود دارد که یکی از آنها همین فقه مصطلح ما که می خواهیم از آن بحث کنیم می باشد.

قسم اول از معارف دینی معارف اعتقادی می باشد که مربوط به اعتقاد و ایمان است و همین است که علم کلام را بوجود آورده است، دوم معارف عبادی است یعنی هرآنچه که باید با قصد قربت انجام بگیرد مثل نماز و روزه و سایر عبادات، سوم معارف اخلاقی است که در علم اخلاق از آن بحث می شود یعنی هرآنچه که مربوط به روحیات و ملکات رذیله و فضیله می باشد که کتاب معراج السعادة فارسی و جامع السعادات عربی تألیف ملا احمد نراقی و پدرش در این رابطه می باشند، چهارم معارف اقتصادی است یعنی هرآنچه که مربوط به مال و ثروت از جهت تولید و توزیع و منابع ثروت و غیرهم می باشد، در واقع اسلام در مقابل دنیای کمونیستی و سرمایه داری شرق و غرب برنامه اقتصادی خاص و روشنی دارد، پنجم معارف اجتماعی است که مربوط به آداب و معاشرت مسلمانان با یکدیگر می باشد، ششم معارف فرهنگی است که مربوط به تعلیم و تربیت است و اسلام عنایت ویژه ای به آن دارد زیرا فرهنگ همیشه حرف اول را می زند و تمامی حرکتها و خیزشها از فرهنگ نشئت می گیرد مثل تمام حرکتها و خیزشهای اخیر در کشورهای تونس، مصر، یمن، لیبی، اردن و عربستان که همگی از فرهنگ نشئت گرفته اند، هفتم معارف سیاسی است یعنی اسلام برنامه و سیاست خاصی برای اداره امور جامعه دارد، هشتم معارف حکومتی است که در اسلام بسیار حائز اهمیت می باشد زیرا تمام قدرتها از حکومت تأثیر پذیرند لذا بحث حکومت و ولایت فقیه خیلی مهم است و رهبر معظم انقلاب دامت برکاته نیز فرمودند که باید در حوزه های